

بررسی آماری کاربرد وزن‌های شعر عربی و فارسی

علی اصغر قهرمانی مقبل^۱ (دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۶، تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۱

چکیده: یکی از مسائلی پرچالش میان وزن شعر عربی و فارسی به‌ویژه در نزد عروض دانان معاصر فارسی، میزان شباهت و تفاوت دو نظام وزنی و در نتیجه میزان تأثیرپذیری وزن شعر فارسی از عربی بوده است. در این جستار به‌جای تکیه بر اصطلاحات مشترک میان علم عروض عربی و فارسی، از یک سو به ماهیت وزنی دو نظام وزنی توجه شده و از سوی دیگر میزان کاربرد وزن‌ها در عربی و فارسی (۳۲ وزن نخست) مشخص شده است تا اهمیت و جایگاه هر وزن در دستگاه عروضی آن نظام معلوم شود و امکان مقایسه وزن‌ها براساس کاربرد آن‌ها در دو نظام وزنی مشخص شود. یافته‌های این مقاله که براساس روش تطبیقی انجام گرفته است، حاکی از آن است که در میان ۱۰ وزن پرکاربرد عربی و فارسی، فقط وزن مبتنی بر تکرار فعلولن، قرار دارد. همچنین ۹ وزن پرکاربرد عربی، در میان ۳۲ وزن نخست فارسی دیده نمی‌شوند. نتیجه دیگر اینکه در مقایسه وزن‌های شعر عربی و فارسی، استناد به نام‌های سنتی اوزان (مانند مضارع و مجتث) نتایج اشتباه در پی دارد. دستاورد دیگر این نوشته آن است که برای آموزش عروض عربی و فارسی در سطح مقدماتی و متوسط، ۳۲ وزن نخست شعر عربی و فارسی و میزان کاربرد آن‌ها در اختیار عروض آموزان قرار گرفته است تا آموزش عروض در سطح مقدماتی و متوسط براساس میزان کاربرد این اوزان انجام شود.

کلیدواژه‌ها: عروض عربی، عروض فارسی، عروض تطبیقی، بررسی آماری وزن‌ها.

۱ مقدمه

همان‌طور که از اصطلاحات علم عروض سنتی فارسی برمی‌آید، علمای عروض فارسی در بنانهادن این علم به‌شدت متأثر از علم عروض عربی بوده‌اند و حتی الامکان کوشیده‌اند اصطلاحات عروض

1. a_ghahramani@sbu.ac.ir

عربی را در عروض فارسی وارد کنند، این اصطلاحات شامل نام دایره‌ها، بحر‌ها، زحافات و... می‌شود. همانندی اصطلاحات عروض عربی و فارسی این تصور را ایجاد و تقویت کرده است که ویژگی‌های وزنی فارسی، همانند ویژگی‌های وزنی عربی است و در نتیجه، وزن‌های شعر فارسی و ویژگی‌های مرتبط با آن حتی‌المقدور برگرفته از وزن‌های شعر عربی است.

به‌عنوان نمونه، در عروض فارسی سنتی همانند عروض عربی، بحر‌هایی مانند هزج، مضارع، مجتث و مقارِب دیده می‌شود و بسیاری با استناد به این نام‌های مشترک، چنین حکم کرده‌اند که ماهیت وزنی در این بحر‌ها یکسان است. به‌طور مثال، اسعاد قنديل ۱۱ بحر را میان عربی و فارسی مشترک می‌داند (اسعاد قنديل، ۱۹۸۱: ۳۳۹). عجیب‌تر اینکه یحیی معروف در کتاب خود با عنوان العروض العربی البسیط، در پایان هر بحر، مبحثی باز می‌کند با عنوان بررسی تطبیقی آن بحر در عربی و فارسی، و تمامی ۱۶ بحر را میان عربی و فارسی مشترک به‌شمار می‌آورد؛ یعنی حتی بحر‌هایی مانند طویل، ملید و وافر را هم در ضمن بحر‌های مشترک قرار می‌دهد. به‌طور مثال، درباره بحر طویل چنین می‌آورد که: «هذا البحر فی الفارسیه یُشبه نظیره فی العربیه تماماً». یعنی بحر طویل در فارسی عیناً مانند بحر طویل در عربی است (یحیی معروف، ۱۳۷۸: ۹۹). غالباً نتیجه‌ای که بر چنین نظراتی مترتب می‌شود این است که این اشتراکات عمده و اساسی، بر اشتراک نظام وزنی عربی و فارسی دلالت دارد و همچنین این بحر‌ها در ادب فارسی به‌پیروی از بحر‌های عربی وضع شده و شاعران پارسی‌گو بر آن‌ها شعر گفته‌اند.

اما اگر اصطلاحات کنار زده شوند و به واقعیت وزن شعر فارسی توجه شود، متوجه خواهیم شد که آنچه در عروض فارسی، به‌عنوان مثال، بحر مضارع یا مجتث نامیده شده است، تفاوت فاحشی با مضارع و مجتث عربی دارد، به‌طوری که می‌توان گفت اساساً این تشابه فقط در نام‌گذاری است و عروضیان پیشین فارسی با تکیه بر زحافات متعدد، اغلب وزن‌های فارسی را در ضمن یکی از بحر‌های عربی آورده‌اند.

۲ مقایسه چند بحر عربی و فارسی براساس عروض سنتی

در اینجا برای روشن‌شدن موضوع به تفاوت میان بحر مضارع و وزن رباعی در عربی و فارسی پرداخته می‌شود و برای بیان این تفاوت به‌جای تکیه بر اصطلاحات، تقطیع شعری مد نظر قرار گرفته است.

۱-۲ بحر مضارع در عروض عربی و عروض فارسی سنتی

بحر مضارع در عروض عربی از دایرهٔ مشتبه استخراج شده است و با آنکه در دایره هر مصرع سه رکن دارد (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن)، ولی در شعر همواره مجزوء یعنی به صورت مربع به کار می‌رود:

مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن

در کتاب‌های عروض عربی همین یک وزن به عنوان وزن مورد کاربرد از بحر مضارع آمده است. از سوی دیگر، شاعران به آن اقبال چندانی نشان نداده‌اند و تقریباً از دیوان شاعران غایب است، به طوری که برخی از عروضیان وجود این بحر را انکار کرده و آن را در شمار بحرهای مهم (غیرمستعمل) آورده‌اند. به طوری که ابوالحسن عروضی چنین آورده است: «أما المضارع فلم يُسمع من العرب. كذا ذكر الأخفش وقد أجاز الخليل» (ترجمه: مضارع از عرب شنیده نشده است. اخفش چنین آورده اما خلیل وجود آن را تأیید کرده است) (ابوالحسن عروضی، ۱۹۹۶: ۱۹۷). خطیب تبریزی در قرن پنجم هجری نیز همین سخن را تأیید کرده است (خطیب تبریزی، بی‌تا: ۱۱۷) و این نشان می‌دهد که شاعران چندین سده پس از خلیل بن احمد نیز به این بحر اقبالی نشان نداده‌اند. ابراهیم انیس در قرن بیستم میلادی هم در کتاب موسیقی الشعر، به دلیل نبود شاهد شعری برای مضارع، وجود آن را در شعر عربی النادر کالمعدوم به‌شمار آورده است (ابراهیم انیس، ۱۹۷۲: ۱۴۰).

هر چند عروضیان ایرانی همان تفعلیلات عربی را گرفته و به صورت مثنی (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن) آورده و آن را به عنوان وزن اصلی مضارع فارسی تعیین کرده‌اند (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۴۸؛ خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۳: ۹۱)، سپس با کمک گرفتن از زحافات تفاوت‌های موجود میان اوزان مضارع عربی و فارسی را توجیه کرده و وزن‌های متعددی را زیر چتر این بحر قرار داده‌اند، اما با توجه به ماهیت هجایی این وزن‌ها متوجه می‌شویم که آن‌ها هیچ نسبت و هیچ تشابهی به مضارع عربی ندارند. شگفت این که عروضیان ایرانی اوزان منسوب به بحر مضارع را به دو دسته تقسیم کرده‌اند: مضارع مکفوف و مضارع اخرب. شمس قیس برای مضارع مکفوف ۴ وزن آورده که با در نظر گرفتن اختیارات شاعری، ۲ وزن قلمداد می‌شود و برای مضارع اخرب ۱۰ وزن ذکر کرده که با مراعات اختیارات شاعری که منجر به تفاوت وزنی از نظر شمس قیس شده است، در واقع ۶ وزن مستقل به‌شمار می‌آید (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۵۱-۱۴۹). بگذریم از ۴ وزن ثقیلی که شمس قیس در ضمن این بحر ذکر کرده است (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۵۲-۱۵۱). خواجه نصیر نیز ۷ وزن مستقل

برای مضارع مکفوف و ۱۳ وزن مستقل برای مضارع اخرب آورده است (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۹۵-۹۱). الولساتن^۱ (۱۹۷۶: ۱۱۹) هم براساس نام‌گذاری سنتی وزن‌ها، ۱۶ وزن برای مضارع ذکر کرده است. بالاخره اینکه شاید باورکردن این مطلب دشوار باشد که شمیسا در کتاب فرهنگ عروضی که براساس عروض سنتی آن را تدوین و تنظیم کرده است، ۳۹ وزن با عنوان مضارع با ذکر شاهد مثال برای هرکدام جمع‌آوری کرده است (نک: شمیسا، ۱۳۷۵: ۱۴۱-۱۳۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، عروض سنتی، این تعداد از اوزان فارسی را در ضمن بحر مضارع آورده است، درحالی‌که در عروض عربی، همان‌طور که پیش از این عنوان شد، مضارع تنها یک وزن دارد و آن هم به شدت مهجور است.

اکنون برای روشن‌شدن موضوع، تقطیع چند وزن فارسی که به‌عنوان بحر مضارع قلمداد شده است، آورده می‌شود:

- U - U - - U U - U - U - - U

عروض سنتی فارسی این وزن را به‌صورت «مفاعیلُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» رکن‌بندی و آن را «مضارع مثنی مکفوف محذوف» نام‌گذاری کرده است.

- U - U - - U U - U - U - -

عروض سنتی فارسی این وزن را هم به‌صورت «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» رکن‌بندی و آن را «مضارع مثنی اخرب مکفوف محذوف» نام‌گذاری کرده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این وزن‌ها، به‌ویژه وزن دوم، هیچ شباهتی با مضارع عربی ندارد، جز آنکه عروضیان پیشین با ده‌ها ترفند و حیل مبتنی بر زحافاتِ مین‌عندی، این وزن را به مضارع عربی نسبت داده‌اند. ازسوی دیگر در میزان کاربرد این وزن با مضارع عربی تفاوت فاحشی وجود دارد، به‌طوری‌که مضارع عربی همان‌طور که آورده شد در دیوان شاعران «النادر کالمعدوم» است، ولی این وزن در شمار پرکاربردترین اوزان شعر فارسی است که در ادامه جایگاه آن در میان اوزان فارسی بیان خواهد شد.

۲-۲ وزن رباعی در عروض عربی و عروض فارسی سنتی

نمونه دیگری که به روشنی ناکارآمدی عروض فارسی سنتی را در این باره بیان می‌کند، وزن رباعی است. با آنکه این وزن اصالت ایرانی دارد، علمای پیشین عروض فارسی آن را در ضمن بحر هزج قرار داده و تا آنجا پیش رفته‌اند که برای آن دو شجره اخرب و اخرم ترسیم کرده‌اند (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۱۵-۱۱۸). از سوی دیگر، وزن رباعی مورد اقبال ادب عربی هم واقع شده و رباعیات متعددی به زبان عربی سروده شده است. جای شگفتی است که وزن رباعی با آرایش هجایی تقریباً مشترک میان فارسی و عربی، در عروض عربی، نه در ضمن بحر هزج و نه هیچ بحر عربی دیگر قرار نگرفته و یک وزن متفاوت و مستقل به‌شمار آمده و «الدوبیت» نام‌گذاری شده است؛ یعنی وزنی را که عروضیان ایرانی به‌کمک زحافات در بحر هزج گنجانده‌اند، عروض عربی آگاهانه و به‌درستی مستقل از هزج دانسته است.

۳ تفاوت‌ها و شباهت‌های اوزان عربی و فارسی براساس میزان کاربرد

موضوع اصلی این جستار آن است که برای اثبات شباهت‌های وزن شعر در عربی و فارسی، در کنار استناد به تشابهات اسمی و تعمیم‌دادن آن به واقعیت وزنی، گاهی دیده می‌شود که این شباهت‌ها در همان واقعیت وزنی جستجو می‌شود، ولی بدون توجه به میزان کاربرد وزن‌های متشابه انجام می‌گیرد که چندان قابل اتکا نیست. اگر به همان بحر هزج عربی بازگردیم که مبتنی بر تکرار «مفاعیلن» است و آن را با خانواده وزنی فارسی مبتنی بر تکرار «مفاعیلن» مقایسه کنیم، هرچند باید پذیرفت که در هر دو نظام وزنی عربی و فارسی، بحر مشترکی مبتنی بر تکرار مفاعیلن وجود دارد، اما از یک سو تعداد ارکان در ضمن یک مصراع در عربی و فارسی تفاوت عمده‌ای دارد و از سوی دیگر و مهم‌تر از آن، نسبت کاربرد این وزن مشترک (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن)، متفاوت است که با تکیه بر آمارهایی که خواهد آمد، به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳ بحر هزج در عربی و فارسی و میزان کاربرد اوزان آن

در عروض عربی هزج نخستین بحر از دایره سوم است و وزن معیار آن سه رکن در هر مصراع (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) است، اما عروضیان برای آن تنها دو وزن زیر را ذکر کرده‌اند:

- هزج مجزوء:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

- هزج مجزوء العروض محذوف الضرب:

مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن

وزن دوم تقریباً از دیوان شاعران غایب است و از دیرباز تنها وزن نخست مورد استفاده شاعران بوده است. اما نباید فراموش کرد که این وزن در مقایسه با دیگر وزن‌های عربی، کاربرد اندکی دارد و حدود نیم‌درصد شعر عربی را تشکیل می‌دهد که در ادامه مقاله جایگاه دقیق این وزن در دستگاه عروض عربی معلوم خواهد شد.

البته در عروض فارسی خانواده وزنی مبتنی بر تکرار مفاعیلن وجود دارد که شباهت قابل توجهی به هزج عربی دارد و تعدادی از اوزان این خانواده در فارسی هزج نامیده شده است که مشهورترین آن‌ها به شرح زیر است:

- مفاعیلن ۱۶ هجایی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن

- مفاعیلن ۱۱ هجایی: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن (= فعولن)

وزن‌های فوق در فارسی جزء پرکاربردترین وزن‌های شعر فارسی است که در ادامه جایگاه و رتبه آن‌ها در میان دیگر وزن‌ها معلوم خواهد شد. اما مفاعیلن ۸ هجایی (مفاعیلن مفاعیلن) در فارسی که همان معادل هزج مجزوء عربی است، مورد اقبال شاعران نبوده است. البته در عروض سنتی وزن‌های دیگر نیز هستند که به بحر هزج منسوب شده‌اند، اما ماهیت هجایی آن‌ها بسیار متفاوت از هزج عربی است.

۴ پیشینه بررسی آماری وزن‌های عربی

احتمالاً نخستین کسی که به صرافت افتاد به مقایسه میزان کاربرد اوزان عربی و فارسی پردازد تا از این طریق تفاوت میان نظام وزنی عربی و فارسی را نشان دهد، تقی وحیدیان کامیار است. او در کتاب «بررسی منشأ وزن شعر فارسی» که به دنبال اثبات استقلال وزن شعر فارسی است، در یکی از مباحث

کتاب، نسبت کاربرد وزن‌های شعر فارسی را با وزن‌های عربی مقایسه کرده است. وحیدیان کامیار برای استخراج وزن‌های پرکاربرد شعر عربی به دلیل در دست‌نداشتن تحقیقات قبلی، خود دست‌به‌کار شده و بحرهای دیوان شعر بشّار بن بُرد (و: ۱۶۷ق) را بررسی آماری کرده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۳: ۸۰-۸۱). سپس این آمار را با آمار مستشرق بریتانیایی، اللولساتن، مقایسه کرده است (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۳: ۸۳-۸۲).

در این جستار به دنبال بررسی آماری نسبت استعمال وزن‌های شعر عربی و فارسی هستیم. خوشبختانه چندین تحقیق ارزشمند در خصوص بسامد وزن‌های شعر فارسی صورت گرفته است که در این نوشته به آن‌ها استناد خواهد شد. اما در ادبیات عربی با وجود چند تحقیق انجام‌گرفته، نیازمند آمارگیری مجدد هستیم، زیرا در تمامی آمارهای مرتبط به وزن شعر عربی، مبنای آمارهای انجام‌گرفته، منحصر به تعیین بحرهای بوده است نه وزن‌ها. به همین دلیل معلوم نمی‌شود که کدام وزن از وزن‌های یک بحر در مقایسه با دیگر وزن‌های همان بحر و بحرهای دیگر، پرکاربردتر است. فایده عملی این مقاله آن است که هنگام آموزش عروض عربی و فارسی در سطح مقدماتی و متوسط، به جای پرداختن به تمامی وزن‌ها، می‌توان به وزن‌های پرکاربرد یا با کاربرد متوسط اکتفا کرد.

۴-۱ معرفی آمارهای مرتبط با بحور عربی

احتمالاً نخستین عروض‌دان عربی که به نسبت کاربرد بحرهای شعر عربی اعتنا ورزید، ابراهیم انیس باشد. در واقع او در کتاب «موسیقی الشعر» که حدوداً در سال ۱۹۵۰م منتشر شد، مبنای چینش بحرهای عربی را میزان کاربرد آن‌ها قرار داد و به همین دلیل به آمارگیری بحور در دیوان شاعران متعدد دست زد. او در آمار خود، دیوان ۱۴ شاعر را به همراه اشعار سه کتاب جمهره، مفضلّیات و جلد ۱۲ اغانی بررسی کرده است. البته در آمارگیری او تنها به ذکر درصد هر بحر در هر دیوان اکتفا شده و جزئیات دیگری آورده نشده است (انیس، ۱۹۷۲: ۲۰۰-۱۹۱).

عبدالرحمن السید در کتاب «العروض و القافیه: دراسه و نقد»، پس از نقل بخش‌هایی از آمار ابراهیم، خود نیز نتیجه بررسی آمار کتاب «الأمالی» تالیف ابوعلی قالی را به آمار انیس افزوده است (السید، بی‌تا: ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۲).

۵ روش آمارگیری وزن‌های شعر عربی

همان‌طور که عنوان شد، آمارهای مرتبط به وزن شعر عربی، مبتنی بر بحرهای بوده است و نه وزن‌ها. این

در حالی است که محبوبیت وزن‌های یک بحر نسبت به دیگر وزن‌های آن بحر، متفاوت است. از سوی دیگر، آمارگیری براساس وزن‌ها، امکان مقایسهٔ یک وزن با وزن دیگر از بحر متفاوت را فراهم می‌کند. از این روروش ما در آمارگیری براساس وزن‌ها بوده است.

در این کار، میزان کاربرد وزن‌ها از دیوان ۳۲ شاعر از شاعران سرشناس دوره‌های مختلف ادبیات عربی استخراج شده است. در اینجا در ضمن جدولی نام شاعران، تعداد قطعات شعری و تعداد ابیات هر دیوان آورده می‌شود:

ردیف	نام شاعر	تاریخ وفات	دوره	تعداد قطعات	تعداد ابیات
۱.	مهلهل	۹۴ ق. هـ.	قبل از اسلام	۴۱	۴۲۸
۲.	امرو القیس	۸۰ ق. هـ.	قبل از اسلام	۳۴	۶۹۰
۳.	طرفه بن العبد	۶۰ ق. هـ.	قبل از اسلام	۲۹	۴۳۴
۴.	عمرو بن کلثوم	۳۹ ق. هـ.	قبل از اسلام	۳۵	۲۸۳
۵.	عنتره بن شداد	۲۲ ق. هـ.	قبل از اسلام	۱۴۳	۱۷۷۰
۶.	نابغه ذبیانی	۱۸ ق. هـ.	قبل از اسلام	۶۱	۶۷۵
۷.	زهیر بن ابی سلمی	۱۳ ق. هـ.	قبل از اسلام	۵۲	۸۹۷
۸.	اعشى اکبر	۷ ق	قبل از اسلام	۷۸	۲۲۵۲
۹.	خنساء	۲۴ ق	قبل و بعد از اسلام	۹۶	۹۱۵
۱۰.	کعب بن زهیر	۲۶ ق	قبل و بعد از اسلام	۴۲	۶۸۷
۱۱.	لبید	۴۱ ق	قبل و بعد از اسلام	۴۸	۱۲۹۳
۱۲.	اخطل	۹۰ ق	عصر اموی	۱۸۲	۲۵۷۲
۱۳.	فرزدق	۱۱۰ ق	عصر اموی	۵۹۹	۷۲۲۰
۱۴.	جریر	۱۱۰ ق	عصر اموی	۲۹۲	۵۶۹۶
۱۵.	بشار بن بُرد	۱۶۷ ق	عصر اموی و عباسی	۵۰۶	۷۵۳۳
۱۶.	حسین بن ضحاک	۲۵۰ ق	عصر عباسی	۸۳	۱۲۰۷
۱۷.	ابو تمام	۲۳۱ ق	عصر عباسی	۴۸۳	۷۳۱۲
۱۸.	بحتری	۲۸۴ ق	عصر عباسی	۹۰۶	۱۵۷۲۹
۱۹.	متنبی	۳۵۴ ق	عصر عباسی	۳۲۲	۵۷۲۶
۲۰.	ابو فراس	۳۵۷ ق	عصر عباسی	۲۸۴	۲۸۳۶
۲۱.	ابن هانئ اندلسی	۳۶۲ ق	عصر عباسی (اندلسی)	۸۴	۴۰۶۳
۲۲.	ابن زیدون	۴۶۳ ق	عصر عباسی (اندلسی)	۱۵۷	۲۵۰۰

۲۸۶۹	۲۶۰	عصر عباسی (اندلسی)	۵۳۳ ق	ابن خفاجه	۲۳.
۱۶۵۲۳	۶۸۴	عصر عباسی	۴۰۶ ق	شریف رضی	۲۴.
۲۱۸۲۰	۳۸۶	عصر عباسی	۴۲۸ ق	مهیار دیلمی	۲۵.
۱۷۷۲	۷۷	عصر عباسی	۶۳۲ ق	ابن فارض	۲۶.
۳۲۸۱	۶۰	عصر مملوکی	۶۹۶ ق	بوصیری	۲۷.
۵۸۹۵	۳۷۱	دوره معاصر	۱۳۲۲ ق	بارودی	۲۸.
۱۴۰۱	۱۶۶	دوره معاصر	۱۳۴۱ ق	اسماعیل صبری	۲۹.
۱۱۷۴۵	۳۷۶	دوره معاصر	۱۳۵۱ ق	احمد شوقی	۳۰.
۵۸۲۲	۲۹۶	دوره معاصر	۱۳۵۱ ق	حافظ ابراهیم	۳۱.
۷۳۵۷	۲۴۱	دوره معاصر	۱۳۶۴ ق	معروف رصافی	۳۲.
۱۵۱۲۰۳	۷۴۷۴			جمع	

نکته مهم این که با توجه به حجم کار، به جای مراجعه مستقیم به دیوان شاعران از ویرایش سوم نرم‌افزار «الموسوعه الشعریه» (۲۰۰۳ م) استفاده شده است که برای آشنایی با این برنامه، تصویر صفحه مربوط به امرؤ القیس، شاعر سرشناس عربی آورده می‌شود:

The screenshot shows the website 'الموسوعه الشعریه' (The Arabic Poetry Encyclopedia). The main content is the entry for 'امرؤ القیس' (Amr al-Qays), a famous pre-Islamic Arab poet. The text describes his lineage, his role as a poet and warrior, and his famous poem 'Litham al-Qays'. The interface includes a search bar, navigation buttons, and a sidebar with various filters and categories.

الموسوعه الشعریه

ابو

امرؤ القیس

۱۳۰ - ۸۰ ق. هـ / ۲۹۶ - ۵۴۴ م

امرؤ القیس بن حجر بن الخارث الکندي. شاعر جاهلي، أشهر شعراء العرب على الإطلاق، يمني الأصل، مولده بنجد، كان أبوه ملك أسد وعظمان وأمه أخت المهلهل الشاعر. قال الشعر وهو غلام، وجعل يشيب ويلهو ويعاشر صغاليك العرب، فبلغ ذلك أباه، فنهاه عن سيرته فلم ينته، فأبعده إلى حضرموت، موطن أبيه وعشيرته، وهو في نحو العشرين من عمره. أقام زهاء خمس سنين، ثم جعل ينتقل مع أصحابه في أحياء العرب، يشرب ويطرب ويعزو ويلهو، إلى أن ثار بنو أسد على أبيه فقتلوه، فبلغه ذلك وهو جالس للشرب فقال:

رحم الله أبي! ضيعني صغيراً وحملني دمه كبيراً، لا صحو اليوم ولا سكر غداً، اليوم خمر وغداً أمر. ونهض من غده فلم يزل حتى ثار لأبيه من بني أسد، وقال في ذلك شعراً كثيراً كانت حكومة فارس ساحطة على بني أكل المزار

العدد القصائد الأبيات

2300 117088 1480442

قبل الإسلام المخضرمين الإسلامي

الأقوي بين الدولتين العباسي

الفاطمي المغرب والأندلس الأيوبي

المملوكي الصفدي الحديث

كل العصور

الأردن الإمارات البحرين تونس

الجزائر السعودية السودان سورية

العراق عُمان فلسطين الكويت

لبنان ليبيا مصر المغرب

موريتانيا اليمن كل البلدان

الشعراء الشاعرات

القصائد 35 الأبيات 695 العصر قبل الإسلام القصائد

نرم‌افزار الموسوعه الشعریه بحر شعرها را تعیین کرده است که کار آمارگیری را تسهیل می‌کند، ولی با توجه به این که مبنای کار، همان‌طور که عنوان شد، اوزان بوده است و نه بحور، ناگزیر مطلع تمامی اشعار جداگانه تقطیع شده است تا وزن دقیق شعر معلوم شود. البته بارها ملاحظه شد که در تعیین بحر در برنامه اشتباه رخ داده است که با تقطیع هر شعر، وزن آن‌ها تصحیح و جایگاه وزنی آن تعیین شد.

چند نکته:

- برخلاف آمارهای فارسی، معیار آمارگیری نسبت استعمال اوزان عربی، تعداد ابیات بوده است و نه تعداد قطعات شعری.

- اشعار فرد (تک بیتی) در آمار به شمار نیامده است.

- مجموع اوزان در دیوان این ۳۲ شاعر ۶۲ وزن را شامل می‌شود. البته هدف ما در آمارگیری، این نبوده است که فهرست حداکثری از وزن‌های عربی را ارائه دهیم و قطعاً وزن‌های معدود دیگری نیز وجود دارد که در دیوان این ۳۲ شاعر نیامده است. به هر حال به احتمال قوی می‌توان چنین عنوان کرد که تمامی وزن‌های شعر عربی، خواه وزن‌هایی که شاعران آن‌ها را به کار برده‌اند و خواه وزن‌های مهجوری که فقط در کتاب‌های عروضی، شواهد مجعولی برای آن‌ها آمده است، به عدد ۱۰۰ نمی‌رسد.

۶ بسامد وزن‌های شعر عربی

در اینجا وزن‌های شعر عربی را براساس میزان کاربرد به سه دسته تقسیم کرده و در ضمن سه جدول می‌آوریم. یادآوری می‌شود با توجه به این که واحد وزن در عربی بیت است، برای تمامی وزن‌ها به رکن‌بندی مصراع اکتفا نشده و رکن‌های بیت آورده شده است:

جدول ۱: وزن‌های پرکاربرد، بین ۳٪ تا ۱۹٪ کاربرد (شامل ۱۰ وزن)

جدول ۲: وزن‌های متوسط کاربرد، بین ۱٪ تا ۳٪ کاربرد (شامل ۸ وزن)

جدول ۳: وزن‌های کم‌کاربرد، (۳٪ تا کمتر از ۱٪) که بین ۴۰۰ بیت تا ۱۵۰۰ بیت هستند (شامل ۱۵ وزن)

یادآوری می‌شود که مجموع قطعات شعری این ۳۲ شاعر، ۷۴۷۴ قطعه و مجموع ابیات

۱۵۱۲۰۳ بیت بوده و درصد استعمال هر وزن از مجموع ابیات استخراج شده است.

جدول ۱- وزن پرکاربرد عربی (۳٪ تا ۱۹٪)

رتبه	رکن بندی	نام وزن	تعداد بیت	درصد
۱.	فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن	طویل مقبوض العروض، مقبوض الضرب	۲۷۵۶۸	۱۸/۲۳
۲.	مفاعلتن مفاعلتن فعولن مفاعلتن مفاعلتن فعولن	وافر مقطوف العروض، مقطوف الضرب	۱۴۹۶۸	۹/۸۹۹
۳.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل تامّ العروض، مقطوع الضرب	۱۴۴۳۱	۹/۵۴۴
۴.	فاعلاتن مستفعلین فاعلاتن فاعلاتن مستفعلین فاعلاتن	خفیف تامّ العروض، تامّ الضرب	۱۱۷۸۹	۷/۷۹۸
۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل تامّ العروض، تامّ الضرب	۱۱۳۶۲	۷/۵۱۴
۶.	مستفعلن فاعلن مستفعلن فعِلن مستفعلن فاعلن مستفعلن فعِلن	بسیط مخبون العروض، مخبون الضرب	۱۰۲۲۹	۶/۷۶۵
۷.	فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن	طویل مقبوض العروض، سالم الضرب	۷۲۳۰	۴/۷۴
۸.	مستفعلن فاعلن مستفعلن فعِلن مستفعلن فاعلن مستفعلن فعِلن	بسیط مخبون العروض، مقطوع الضرب	۶۶۵۴	۴/۴۰۰
۹.	فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن	طویل مقبوض العروض، محذوف الضرب	۶۰۸۵	۴/۰۲۴
۱۰.	فعولن فعولن فعولن فعولن (=فَعَل) فعولن فعولن فعولن فعِل	مقارب تامّ یا محذوف العروض، محذوف الضرب	۵۳۴۷	۳/۵۳۶
	جمع		۱۱۵۶۶۳	۷۶/۴۹

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ۱۰ وزن پرکاربرد در شعر عربی ۷۶/۵ درصد وزن‌های شعر عربی را تشکیل می‌دهد. از میان این ۱۰ وزن تنها وزنی که برای عروضیان فارسی‌آشناست، وزن دهم است که مبتنی بر تکرار فعولن است و مقارب نامیده می‌شود که در مقایسهٔ جداول وزن‌های عربی و فارسی به آن خواهیم پرداخت.

جدول ۲- وزن‌های عربی با کاربرد متوسط (۱٪ تا کمتر از ۳٪)

رتبه	رکن بندی	نام وزن	تعداد بیت	درصد
۱۱.	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز تامّ العروض، تامّ الضرب	۳۵۴۰	۲/۳۴۱
۱۲.	مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مشطور	۲۹۶۴	۱/۹۶۰
۱۳.	مستفعلن مستفعلن فاعلن مستفعلن مستفعلن فاعلن	سريع مكسوف ومطوّى العروض، مكسوف ومطوّى الضرب	۲۷۶۰	۱/۸۲۵
۱۴.	مستفعلن مفعولات مستفعلن مستفعلن مفعولات مفتعلن	منسرح تامّ العروض، مطوّى الضرب	۲۶۸۳	۱/۷۷۴
۱۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلاتن	كامل مجزوء العروض، مرفّل الضرب	۲۴۱۷	۱/۵۹۸
۱۶.	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل محذوف العروض، محذوف الضرب	۲۳۲۹	۱/۵۴۰
۱۷.	فعلون فعولن فعولن (=فعل) فعلون فعولن فعولن	مقارب تامّ یا محذوف العروض، تامّ الضرب	۲۱۸۳	۱/۴۴۳
۱۸.	مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن	رجز مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۱۵۷۳	۱/۰۴۰
	جمع		۲۰۴۴۹	۱۳/۵۲

توضیح:

- همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وزن رجز مشطور (مستفعلن مستفعلن مستفعلن) به‌عنوان یک بیت تلقی می‌شود که در رتبه ۱۲ قرار گرفته است. اما نباید فراموش کنیم که در ادبیات عربی، شاعرانی هستند که به سرودن رجز مشطور معروف هستند و تمامی اشعار خود را بر این وزن سروده‌اند که ما به سراغ آن‌ها نرفتنیم وگرنه، این وزن در رتبه بالاتری قرار می‌گرفت.
- مهیار دیلمی از پرکارترین شاعرانی است که در دیوان خود از وزن‌های متعدد بحر رجز بهره برده است. در واقع، وزن شماره ۱۱ (رجز تام العروض و تام الضرب) و وزن شماره ۱۸ (رجز مجزوء العروض و مجزوء الضرب)، جایگاه خود را در وهله نخست مدیون مهیار هستند، به‌طوری که اگر مهیار را از لیست شاعران حذف کنیم، این دو وزن به جدول سوم نقل مکان خواهند کرد.

جدول ۳- وزن‌های کم‌کاربرد عربی (۳/۰٪ تا کمتر از ۱٪)

رتبه	رکن‌بندی	نام وزن	تعداد بیت	درصد
۱۹.	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل تامّ العروض، محذوف الضرب	۱۳۶۷	۰٫۹۰۴
۲۰.	متفاعلن متفاعلن فعلن متفاعلن متفاعلن فعلن	کامل اخذّ العروض، احدّ و مُضمّر الضرب	۱۰۹۲	۰٫۷۲۲
۲۱.	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۱۰۴۱	۰٫۶۸۸
۲۲.	مستفعلن مستفعلن فاعلن مستفعلن مستفعلن فاعلان	سريع مكسوف ومطوئ العروض، موقوف ومطوئ الضرب	۱۰۲۷	۰٫۶۷۹
۲۳.	مستفعلن مستفعلن فاعلن مستفعلن مستفعلن فعلن	سريع مكسوف ومطوئ العروض، اصلم الضرب	۱۰۲۲	۰٫۶۷۵
۲۴.	مستفعلن فاعلن مفاعل (= فعولن) مستفعلن فاعلن مفاعل (= فعولن)	بسيط مخلّع	۹۱۰	۰٫۶۰۱
۲۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۸۳۶	۰٫۵۲۲
۲۶.	مستفعلن مستفعلن مستفعلن (=) مفعولن مستفعلن مستفعلن مستفعلن (=) مفعولن	رجز مزدوج (قالب مثنوی)	۷۷۷	۰٫۵۱۳
۲۷.	مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۷۵۸	۰٫۵۰۱
۲۸.	متفاعلن متفاعلن فعلن متفاعلن متفاعلن فعلن	کامل اخذّ العروض، احدّ الضرب	۷۳۰	۰٫۴۸۲
۲۹.	مستفعلن مفعولات مستفعلن مستفعلن مفعولات مفعولن	منسرح تامّ العروض، مقطوع الضرب	۵۵۶	۰٫۳۷۴
۳۰.	مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن	مجتث مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۵۵۰	۰٫۳۶۶
۳۱.	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلان	رمل محذوف العروض، مقصور الضرب	۵۲۱	۰٫۳۴۴

۰/۳۲۵	۴۹۲	وافر مجزوء العروض، مجزوء و سالم الضرب	مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن	۰/۳۲
۰/۳۱۵	۴۷۷	خفیف مجزوء العروض، مجزوء الضرب	فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن مستفعلن	۰/۳۳
۸/۰۳۹	۱۲۱۵۶		جمع	

پس از ذکر کاربرد وزن‌ها در ضمن جداول، چند نکته شایان ذکر است:

نکته ۱: ۲۹ وزن دیگر را که برای هر کدام، کمتر از ۴۰۰ بیت یافت شده است، می‌توان وزن‌های مهجور یا بسیار کم کاربرد نامید که برای رعایت اختصار، از ذکر آن‌ها پرهیز کردیم.
نکته ۲: مجموع ابیات برای ۲۹ وزن بسیار کم کاربرد ۲۹۳۵ بیت است که تعداد ابیات برای هریک از وزن‌ها، از ۲ بیت تا ۳۹۹ بیت در نوسان است و جمعاً ۱/۹۴۱٪ را شامل می‌شود.

۷ پیشینه آمارهای مرتبط با وزن‌های شعر فارسی

نخستین کسی که به فکر آمارگیری اوزان فارسی افتاد، پرویز ناتل خانلری است که در کتاب تحقیق انتقادی در عروض فارسی که در واقع رساله دکتری او بوده است، به هدف بررسی تحول اوزان غزل، نسبت استعمال وزن‌های غزل را از قرن ششم تا قرن سیزدهم، از دیوان ۵۱ شاعر غزل‌سرا (۲۰۹۹۶ غزل) استخراج کرده است (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۵۷-۱۵۳). البته آمار او منحصر به قالب غزل است و به دلیل اینکه تنوع اوزان به کاررفته در غزلیات بسیار محدودتر از اوزان فارسی است، مورد توجه ما در این نوشته نبوده است.
پس از خانلری، افراد دیگری کوشیده‌اند که فهرست نسبتاً جامعی از وزن‌های شعر فارسی به دست دهند. مسعود فرزاد در مقاله مفصل «مجموعه اوزان شعری فارسی» (۲۵۷ وزن شعری آورده که از میان آنها ۶ وزن بدون ذکر شاهد شعری است. البته او برای شواهد شعری، هم به شعر شاعران و هم به شواهد کتاب‌های عروض تمسک جسته است. بنابراین فرزاد ۲۱۱ وزن به همراه شاهد شعری آورده است. همچنین او ۳۳ وزن را جزء اوزان کثیرالاستعمال می‌شمارد بدون آنکه میان این وزن‌ها اولویت بگذارد و درصد کاربرد هریک را معلوم کند (فرزاد، ۱۳۴۹: ۶۵۱-۵۸۴).

الولساتن هرچند کتاب مشهور خود، *The Persian Metres*، را پس از مقاله فرزاد تألیف کرده است، مجموعه وزن‌های شعر فارسی را، کمتر از فرزاد، یعنی ۲۰۸ وزن دانسته که از آن میان ۱۱۵ وزن دارای شاهد شعری از سروده شاعران، ۶۴ وزن با شواهد عروضیان و ۲۹ وزن بدون شاهد شعری آمده

است (الولساتن، ۱۹۷۶: ۱۱۸). الولساتن برای نخستین بار به آمارگیری گسترده‌ای دست زده است که برخلاف خانلری، محدود به قالب غزل نبوده و دیگر قالب‌های شعر را نیز دربرگرفته است. او ۴۲ شاعر از نخستین شاعران تا دوره معاصر را برگزیده و وزن ۲۰۱۵۵ قطعه شعر را آمار گرفته و دسته‌بندی کرده است (الولساتن، ۱۹۷۶: ۱۶۷-۱۴۷). وی ۵۲ وزن را در ۵ دسته به شرح زیر قرار داده است:

- بیش از ۱۰٪ کاربرد و بیش از ۲۰۰۰ قطعه (شامل ۳ وزن)
- بین ۵٪ تا ۱۰٪ کاربرد و بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قطعه (شامل ۴ وزن)
- بین ۱٪ تا ۵٪ کاربرد و بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ قطعه (شامل ۱۲ وزن)
- بین ۱٪ تا ۱۰٪ کاربرد و بین ۱۰ تا ۲۰۰ قطعه (شامل ۱۷ وزن)
- کمتر از ۱٪ کاربرد و کمتر از ۱۰ قطعه (شامل ۱۶ وزن).

براساس آمار الولساتن، ۷۰٪ اشعار فارسی تنها بر ۷ وزن نخست، و ۳٪ اشعار بر ۱۹ وزن نخست سروده شده است. همان‌طور که معلوم شد، مبنای آمارگیری الولساتن شمارش قطعات شعری بوده است و نه تعداد ابیات. به همین دلیل او، به‌عمد، رباعیات و مثنوی‌های بلند فارسی را از جامعه آماری خود خارج کرده است، زیرا از یک طرف، یک رباعی که قطعه شعر محسوب می‌شود و شاهنامه فردوسی با بیش از ۵۰ هزار بیت نیز باید تنها یک قطعه شعر به‌شمار آید. به همین دلیل رباعیات و مثنوی‌های بلند از جامعه آماری خارج شده است.

در این میان نجفی بیش از آن که به نسبت استعمال وزن‌ها توجهی داشته باشد، به دنبال جمع‌آوری وزن‌های شعر فارسی بود. او زمانی بر این باور بود که «در اشعار موجود فارسی، نزدیک به سیصد وزن متفاوت و مستقل وجود دارد» (نجفی، ۱۳۵۹: ۵۹۱). اما پس از سال‌ها مطالعه بر روی وزن‌های شعر فارسی و جمع‌آوری وزن‌ها عنوان می‌کند که «اکنون با اطمینان می‌توان گفت که این رقم از چهارصد درگذشته است و همچنان رو به افزایش دارد» (نجفی، ۱۳۹۴: ۷).

فین تیسین^۱ (۱۹۸۲: ۲۵۶-۲۲۷) نیز شش سال بعد از الولساتن در فهرست مفصلی ۲۱۷ وزن را با ذکر رکن‌بندی برای اوزان آورده است. البته قصد وی ارائه فهرست جامعی از وزن‌های شعر فارسی بوده است و نه دادن آمار.

عبدالخالی پرهیزی بدون توجه به وزن‌های آمده در کتب عروضی و تنها با اعتماد به اشعار شاعران

(۵۸ شاعر: ۵۲ شاعر دارای دیوان و ۶ شاعر بدون دیوان)، ۱۲۷ وزن را به ترتیب میزان کاربرد آن‌ها آورده است. پرهیزی با تکیه بر اشعار شاعران، وزن ۴۵۸۸۳ قطعه شعری را استخراج کرده و وزن‌های شعر فارسی را براساس کاربرد به صورت زیر تقسیم‌بندی کرده است (رک: پرهیزی، ۱۳۸۱: ۷۹-۷۱):

- وزن‌های ۱-۱۰: وزن‌های پرکاربرد، هر وزن بیش از ۱۰۰۰ قطعه شعری
- وزن‌های ۱۱-۲۵: وزن‌های متوسط کاربرد، هر وزن بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ قطعه شعری
- وزن‌های ۲۶-۶۳: وزن‌های کم کاربرد، هر وزن بین ۴ تا ۹۹ قطعه شعری
- وزن‌های ۶۴-۱۲۷: وزن‌های نادر یا مهجور، هر وزن بین ۱ تا ۳ قطعه شعری
- (وزن‌های ۸۱-۱۲۷: وزن‌هایی که فقط ۱ قطعه شعری بر آن‌ها یافت شده است.)

در آماری که پرهیزی آورده، ۱۰ وزن نخست ۸۳/۹۵ درصد، و ۲۵ وزن نخست ۹۸/۲۱ درصد اشعار فارسی بر آن‌ها سروده شده است. پرهیزی نیز مانند الل‌ساتن رباعیات و مثنوی‌های بلند را در آمار خود به شمار نیاورده است.

وحیدیان کامیار تعداد وزن‌ها را فراتر از این می‌داند. او که وزن اشعار صد شاعر پارسی‌گو را در کتاب خود با عنوان فرهنگ اوزان شعر فارسی استخراج کرده است، مجموعه اوزان این شاعران، و اشعار عامیانه را، با احتساب اوزانی که عروضیان، با مثال یا بدون مثال، در آثار خود آورده‌اند تا ۶۵۴ وزن احصا کرده است (وحیدیان، ۱۳۸۹: ۱۵). جامعه آماری وحیدیان ۱۰۰ شاعر را در بر می‌گیرد و در پایان کتاب در ضمن جدولی ۳۷ وزن پرکاربرد فارسی آورده شده که پربسامدترین وزن، وزن رباعی با ۱۰۶۰۲ رباعی است و در انتهای جدول هم وزن «فاعلن فاعلن فاعلن فع» با ۱۵ قطعه شعر قرار دارد (وحیدیان، ۱۳۸۹: ۷۳۹-۷۴۰).

پرواضح است که وزن‌ها خواه در عربی و خواه در فارسی، در نزد شاعران از محبوبیت یکسانی برخوردار نیستند و همانطور که آورده شد، بیش از ۹۸ درصد وزن‌های شعر فارسی (البته به استثنای منظومه‌های بلند مثنوی و رباعیات) در ۲۵ وزن سروده شده است. همچنین در میان این ۲۵ وزن، تنها ۱۰ وزن بیش از ۸۰ درصد حجم شعر فارسی را به خود اختصاص داده است.

چند نکته:

آمارگیری اوزان در نزد تمامی آمارگیران وزن شعر فارسی، براساس تعداد اشعار بوده است و نه ابیات. الل‌ساتن و عبدالمخالق پرهیزی، رباعیات و مثنوی‌های بلند را در آمار خود نیاورده‌اند، اما وحیدیان

کامیار، رباعیات را به شمار آورده و البته رباعیات در جایگاه اول قرار گرفته است. به همین دلیل در جداول وزن‌های مذکور، آمار وحیدیان، از رتبه ۲ به بعد آمده است که منطبق بر آمار الولاتن و پرهیزی باشد. در آمار پرهیزی اوزان تنها به ترتیب تعداد قطعات آورده شده است، نسبت درصدی از طرف نگارنده سطور است که امکان مقایسه هم با آمار الولاتن و هم مقایسه با اوزان عربی فراهم شود. معیار ما برای ترتیب وزن‌ها، آمار الولاتن بوده است.

۸ بسامد وزن‌های شعر فارسی

اکنون ۳۲ وزن شعر فارسی به ترتیب کاربرد در ضمن ۳ جدول با ذکر جزئیات آورده می‌شود:

جدول ۴: وزن‌های پرکاربرد، بین ۳٪ تا ۱۶٪ کاربرد (شامل ۱۰ وزن)

جدول ۵: وزن‌های متوسط کاربرد، بین ۱٪ تا ۳٪ کاربرد (شامل ۹ وزن)

جدول ۶: وزن‌های کم کاربرد، کمتر از ۱٪ (شامل ۱۳ وزن)

جدول ۴ - وزن پرکاربرد فارسی (۳٪ تا ۱۶٪)

وزن	رتبه وزن				الولاتن
	وحیدیان	درصد	پرهیزی	درصد	
مفاعیلن فاعلاتن ۱۵ هجایی مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن	✓ ۴	۱۲٫۶۸٪	۲	۱۵٪	۱
مستفعلن مفاعیل ۱۴ هجایی مستفعلن مفاعیل مستفعلن فعل	✓ ۳	۱۲٫۵۲٪	۳	۱۳٫۲٪	۲
فاعلاتن ۱۵ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	✓ ۲	۱۵٫۷۶٪	۱	۱۲٫۲٪	۳
فاعلاتن ۱۵ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فعلن	✓ ۵	۱۰٫۵۸٪	۴	۹٫۷٪	۴
فاعلاتن مفاعیلن ۱۱ هجایی فاعلاتن مفاعیلن فعلن	✓ ۸	۷٫۴٪	۶	۸٫۹٪	۵
مفاعیلن ۱۶ هجایی مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	✓ ۶	۸٫۴٪	۵	۶٪	۶
مستفعل ۱۴ هجایی مستفعل مستفعل مستفعل فعلن	✓ ۷	۵٫۹٪	۷	۵٫۷٪	۷

✓	۹	۴/۲۹٪	۸	۴/۶٪	۸	مفاعیلن ۱۱ هجایی مفاعیلن مفاعیلن مفاعی (=فعولن)
✓	۱۰	۳/۶۹٪	۹	۳/۲٪	۹	فاعلاتن ۱۱ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن
✓	۱۱	۳/۰۵٪	۱۰	۳/۲٪	۱۰	مستفعلُ فاعلاتُ ۱۰ هجایی مستفعلُ فاعلاتُ فَعْلُن
✓		۸۳/۹۵٪		۸۲٪		جمع

توضیح:

- همان‌طور که ملاحظه می‌شود روش نام‌گذاری وزن‌ها در این نوشته، با روش عروض سنتی تفاوت اساسی دارد (رک: قهرمانی مقبل، ۱۳۹۷: ۳۱-۲۸). همچنین رکن‌بندی نیز متفاوت از روش سنتی است. با این حال تفاوت ماهوی با آرایش هجایی وزن‌ها ندارد.
- پیش می‌آید که انتخاب یا عدم انتخاب یک شاعر پرکار، در بالابردن یا پایین آوردن یک وزن، تأثیر بسزایی دارد. حضور برخی از شاعران در آمار پرهیزی، باعث شده است که رتبه برخی اوزان در مقایسه با آمار الول‌ساتن در نوسان بوده باشد. به‌طور مثال، وزن «فاعلاتن ۱۵ هجایی» در آمار الول‌ساتن در جایگاه سوم است، اما به‌دلیل کاربرد این وزن در دیوان شاعر پرکاری مانند صائب تبریزی، به رتبه اول ارتقا پیدا کرده است. با وجود این نوسان، آنچه میان هر سه آمار مشترک است این است که این ۱۰ وزن به‌عنوان ۱۰ وزن نخست در شعر فارسی بوده و کاربرد آن‌ها از ۰.۱۶٪ تا ۰.۳٪ در نوسان بوده است.

جدول ۵- وزن‌های فارسی با کاربرد متوسط (۰.۱٪ تا کمتر از ۰.۳٪)

وزن	رتبه وزن			
	الول‌ساتن	درصد	پرهیزی	درصد
مستفعلن مفاعلُ ۱۴ هجایی دوری مستفعلن مفاعلُ // مستفعلن مفاعلُ	۱۱	۲٪	۱۱	۲/۱۲۹٪
فعولن ۱۱ هجایی فعولن فعولن فعل	۱۲	۱/۹٪	۱۵	۱/۰۸٪
مفتعلن فاعلاتُ ۱۳ هجایی مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فع	۱۳	۱/۵٪	۱۹	۰/۸۹۵٪

✓	۱۵	۱٫۵۳۴٪	۱۲	۱٫۳٪	۱۴	مستفعل ۱۴ هجایی دوری مستفعل مستفعل // مستفعل مستفعل
✓	۱۷	۱٪	۱۶	۱٫۳٪	۱۵	فعولن ۱۲ هجایی فعولن فعولن فعولن
✓	۱۴	۱٫۳٪	۱۳	۱٫۲٪	۱۶	مستفعلن ۱۶ هجایی مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن
✓	۱۶	۱٫۲٪	۱۴	۱٫۲٪	۱۷ (۴)	مفتعلن ۱۴ هجایی دوری مفتعلن مفتعل // مفتعلن مفتعل
✓	۲۱	۰٫۸۳٪	۲۰	۱٫۱٪	۱۸	مفتعلن ۱۱ هجایی مفتعلن مفتعلن مفتعل
✓	۲۰	۰٫۹۵٪	۱۸	۱٫۱٪	۱۹	فاعلاتن ۱۱ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فعلن
		۱۰٫۹۱۸٪		۱۲٫۶٪		جمع

اگر وزن رباعی (مستفعل ۱۳ هجایی) را نیز به فهرست وزن‌های فوق بیفزاییم، تعداد این وزن‌ها به عدد ۲۰ می‌رسد. بنابراین در بحث آموزش علم عروض فارسی، با شناخت این وزن‌ها، نزدیک به ۹۵٪ وزن‌های رایج شعر فارسی را شناخته‌ایم. لذا با آموختن وزن‌های مذکور می‌توان گفت که پرکاربردترین و مطبوع‌ترین وزن‌های فارسی مشخص می‌شود. بنابراین دانستن این ۲۰ وزن برای عروض‌آموزان در سطح مقدماتی کفایت می‌کند.

جدول ۶- وزن‌های فارسی کم‌کاربرد (کمتر از ۱٪)

	رتبه وزن				الول ساتن	وزن
	وحدیدیان	درصد	پرهیزی	درصد		
✓	۱۹	۰٫۹۵۶٪	۱۷	۰٫۸٪	۲۰	مفتعلن مفاعلن ۱۶ هجایی مفتعلن مفاعلن مفتعلن مفاعلن
✓	۲۴	۰٫۴۹۴٪	۲۳	۰٫۷٪	۲۱	مستفعل فاعلاتن ۱۱ هجایی مستفعل فاعلاتن مستفعل
✓	۲۲	۰٫۷٪	۲۱	۰٫۷٪	۲۲	مفاعلن فاعلاتن ۱۶ هجایی

						مفاعِلن فَعَلاتِن مفاعِلن فَعَلاتِن
✓	۲۳	۰٫۶٪	۲۲	۰٫۶٪	۲۳	فَعَلاتِن فَعَلاتِن ۱۶ هجایی فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن
✓	-	۰٫۱۹٪	۲۶	۰٫۳٪	۲۴	مستفَعَلن مفاعِلْ ۱۱ هجایی مستفَعَلن مفاعِلْ مستفَعَلْ
✓	۲۶	۰٫۲۴٪	۲۵	۰٫۳٪	۲۵	فَعَلاتِن ۱۶ هجایی فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن
✓	۲۵	۰٫۳۳۷٪	۲۴	۰٫۲٪	۲۶	فَعَلاتِن ۱۶ هجایی فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن
✓	-	۰٫۰۹۸٪	۳۰	۰٫۱٪	۲۷	*مستفَعَلْ مستفَعَلن ۱۱ هجایی (سیمینه) مستفَعَلْ مستفَعَلن مفاعِلْ
✓	۲۸	۰٫۱۵۶٪	۲۷	۰٫۱٪	۲۸	مفتَعَلن مفتَعَلن مفتَعَلن مفتَعَلن
	-		-		۲۹	فَعَلاتِن فَعولن // فَعَلاتِن فَعولن ^۱
✓	۲۷	۰٫۱۴۳٪	۲۹	۰٫۱٪	۳۰	مستفَعَلاتِن مستفَعَلاتِن
	۳۴	۰٫۰۶٪	۳۳	۰٫۱٪	۳۱	فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَعَلاتِن فَع
	-	۰٫۰۷۴٪	۳۲	۰٫۱٪	۳۲	فَعَلاتِن مفتَعَلن // فَعَلاتِن مفتَعَلن

۹ مقایسهٔ بسامد وزن‌های عربی و فارسی

در اینجا برای پرهیز از آشفتگی، بسامد وزن‌ها براساس جداول آورده می‌شود:

۹-۱ مقایسهٔ جدول ۱ (۱۰ وزن پرکاربرد عربی) با وزن‌های فارسی

ابتدا بهتر است جدول ۱ (۱۰ وزن پرکاربرد عربی) را با جدول ۴ (۱۰ وزن پرکاربرد فارسی) و بنا بر اقتضای بحث، با دیگر جدول‌های فارسی مقایسه کنیم. در خصوص مقایسهٔ ۱۰ وزن نخست عربی با وزن‌های فارسی چند نکتهٔ زیر قابل ذکر است:

۱. با بررسی دقیق کتاب معلوم شد که نویسنده در آوردن این وزن در ضمن آمار دچار اشتباه شده است. زیرا این وزن در ضمن اوزانی آمده است که هیچ شاهد شعری، نه در دیوان شاعران و نه کتاب‌های عروضی، یافت نشده است (الولساتن، ۱۹۷۶: ۱۰۳). جالب اینکه برای این وزن ۲۰ غزل از دیوان عطار ذکر شده است. این در حالی است که با مراجعه به دیوان عطار، هیچ شعری بر این وزن یافت نشد. از طرف دیگر، در دیوان عطار ۲۰ غزل بر وزن «مفتَعَلن فَعَلاتِن مفتَعَلن فَع» آمده است که در آمار الولساتن لحاظ نشده است و به‌نظر می‌رسد که هنگام نوشتن ارقام، به اشتباه جابجا شده است (الولساتن، ۱۹۷۶: ۱۵۴).

- وزن طویل مقبوض العروض والضرب (فعولن مفاعیلن فعولن مفاعلن // ۲ بار)، با ۲۳/۱۸٪ با تفاوت قابل توجهی جایگاه نخست را به خود اختصاص داده است، به طوری که هیچ وزنی نه در عربی و نه در فارسی چنین بسامدی ندارد. این در حالی است که وزن مذکور هیچ محبوبیتی در نزد شاعران پارسی‌گو نداشته است و تنها مهدی اخوان ثالث برای تفنن، یک غزل ۹ بیتی بر این وزن سروده است که چندان هم خوش‌نشنسته است:

دگر ره شب آمد تا جهانی سیا کند جهانی سیاهی با دلم تا چها کند
(اخوان ثالث، ۱۳۶۰: ۸۸)

چگونه می‌شود که این وزن که در آن نه تکرار و نه تناوب را شاهد هستیم، از دیرباز تاکنون با ذوق عربی چنین سازگار بوده، ولی در نظام فارسی تا این حد مهجور مانده باشد؟

- همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ۹ وزن نخست عربی، که ۷۳ درصد شعر عربی را تشکیل می‌دهد، در میان ۳۲ وزن فارسی ذکر شده در آمار الولاتن هیچ جایی ندارند.

- تنها وزن دهم با ۳/۵۳۶٪ کاربرد است که از وزن‌های متقارب (مبتنی بر تکرار فعولن) به شمار می‌آید و در میان وزن‌های فارسی رتبه ۱۲ (آمار الولاتن و وحیدیان کامیار) و رتبه ۱۵ (آمار پرهیزی) دارد. حال اگر به یاد بیاوریم که این وزن از محبوب‌ترین وزن‌های فارسی برای سرودن مثنوی‌های بلند (مانند شاهنامه، اسکندرنامه و بوستان) است که در آمار الولاتن و پرهیزی لحاظ نشده است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این وزن با تفاوت جزئی در ساختار، میان عربی و فارسی، تنها وزنی است که در میان ۱۰ وزن پرکاربرد عربی و فارسی قرار دارد. جایگاهی که برای هیچ وزن دیگری نمی‌توان قائل شد.

- در عربی وزن خفیف تامّ العروض والضرب (فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن) که در رتبه سوم قرار دارد، شباهت قابل توجهی با وزن «فاعلاتن مفاعلن فعلاتن» دارد که در آمار پرهیزی تنها با ۷ قطعه شعر، در رتبه ۵۳ جای گرفته است. (پرهیزی، ۱۳۸۱: ۷۸). اما یک وزن از همین خانواده وزنی، یعنی «فاعلاتن مفاعلن فععلن» که در عروض فارسی سنتی «خفیف مخبون محذوف» نامیده شده با وجود تفاوت‌های آشکار در جوازهای وزنی و تعداد هجا در مقایسه با خفیف

عربی، در جایگاه ۵ در آمار الولاتن و جایگاه ۶ در آمار پرهیزی قرار دارد.

- اوزان متعددی از بحر کامل عربی که مبتنی بر رکن متفاعلن است در ضمن سه جدول به شرح زیر قرار گرفته است:

رتبه	رکن‌بندی	نام وزن	تعداد بیت	درصد
۳.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل تامّ العروض، مقطوع الضرب	۱۴۴۳۱	۹/۵۴۴
۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل تامّ العروض، تامّ الضرب	۱۱۳۶۲	۷/۵۱۴
۱۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلاتن	کامل مجزوء العروض، مرفّل الضرب	۲۴۱۷	۱/۵۹۸
۲۰.	متفاعلن متفاعلن فعِلن متفاعلن متفاعلن فعِلن	کامل اخذّ العروض، احدّ و مُضمّر الضرب	۱۰۹۲	۰/۷۲۲
۲۵.	متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن	کامل مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۸۳۶	۰/۵۲۲
۲۸.	متفاعلن متفاعلن فعِلن متفاعلن متفاعلن فعِلن	کامل اخذّ العروض، احدّ الضرب	۷۳۰	۰/۴۸۲
	جمع		۳۰۸۶۸	۲۰/۴۱۴

از سوی دیگر عروضیان پیشین فارسی بحر کامل را از بحرهای خاص عروض عربی دانسته‌اند (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۷۸؛ خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۶۵). الولاتن هم هیچ وزنی از کامل را در ضمن وزن‌های فارسی نیاورده است (الولاتن، ۱۹۷۶: ۱۱۹). این در حالی است که شعرهای معدودی مبتنی بر تکرار متفاعلن به صورت چهاررکنی و دورکنی از قرن هفتم به بعد، سروده شده است، به طوری که وزن «متفاعلن متفاعلن متفاعلن متفاعلن» در آمار پرهیزی با ۶۸ قطعه شعر در رتبه ۲۸ قرار گرفته و وزن‌های «متفاعلن متفاعلن متفاعلن» و «متفاعلن متفاعلن» هرکدام با یک قطعه در پایین‌ترین رتبه قرار دارند. فراموش نکنیم که در اوزان کامل عربی، برخلاف فارسی، وزنی نداریم که به صورت مثنی به کار رفته باشد. حال ممکن است کسی بحر کامل را بحری مشترک میان عربی و فارسی بداند که نمی‌توان بر او خرده گرفت. اما با توجه به نسبت کاربرد وزن‌های کامل در عربی و فارسی، می‌توان به تفاوت بارز کامل در عربی و فارسی پی برد.

بنابراین از ۹ وزن پرکاربرد عربی که ۷۳ درصد شعر عربی را تشکیل می‌دهد، هیچ نشانی در مجموعه ۳۲ فارسی دیده نمی‌شود.

۹-۲ مقایسه جدول ۲ (۸ وزن عربی با کاربرد متوسط) با وزن‌های فارسی

اکنون جدول وزن‌های شعر عربی با کاربرد متوسط (بین ۱٪ تا ۳٪) را با وزن‌های فارسی مقایسه می‌کنیم:

ملاحظه می‌شود که وزن متقارب (فعولن فعولن فعولن) در آمار اللولساتن با ۱/۳ درصد در رتبه ۱۵ و در آمار پرهیزی با ۱ درصد در رتبه ۱۶ قرار گرفته است. این در حالی است که همین وزن در میان وزن‌های عربی با ۱/۴۴۳٪ در رتبه ۱۷ قرار دارد. حال اگر آنچه که درباره وزن دیگر متقارب و جایگاه آن در میان ۱۰ وزن پرکاربرد عربی و فارسی گفته شد به یاد بیاوریم، می‌توان نتیجه گرفت که در میان وزن‌های عربی و فارسی، دو وزن از متقارب، ضمن شباهت نزدیکی که در ساختار دارند، در میزان کاربرد نیز شباهت زیادی دارند.

۹-۲-۱ مقایسه اوزان بحر رجز عربی و نظایر فارسی آن‌ها

همواره شنیده می‌شود که بحرهای هزج، رجز و رمل عربی که همگی از دایره سوم استخراج می‌شوند، از بحرهای مشترک میان عربی و فارسی هستند. همان‌طور که ملاحظه شد، از وزن‌های این سه بحر، در میان ۱۰ وزن پرکاربرد عربی، وزنی دیده نشد، اما در جدول دوم، یعنی جدول وزن‌هایی با کاربرد ۱٪ تا ۳٪ وزن‌هایی از رجز و رمل به چشم می‌خورد، ولی همچنان از هزج خبری نیست. این در حالی است که بنابر نام‌گذاری عروض فارسی سنتی، وزن‌های متعددی از هزج، رجز و رمل، هم در میان وزن‌های پرکاربرد فارسی و هم با کاربرد متوسط دیده می‌شود. پیش از مقایسه این وزن‌ها باید نکته زیر را در نظر داشت:

در عروض عربی، بحر رجز مبتنی بر تکرار مستفعلن است و وزن معیار آن که از دایره استخراج می‌شود چنین است: مستفعلن مستفعلن مستفعلن. از این بحر وزن‌های متعددی کاربرد دارد که تفاوت آن‌ها در تنوع بخشی به ضرب (رکن پایانی مصراع دوم) و تعداد ارکان است، به طوری که از رجز، مسدس، مربع، مثلث و حتی موحد نیز دیده می‌شود. اما تفاوت اصلی میان رجز عربی و آنچه که در فارسی رجز خوانده شده است، پیش از تعداد ارکان در هر بیت، به خود رکن رجز بازمی‌گردد. همان‌طور که عنوان شد، در عروض عربی، رجز بر رکن «مستفعلن» استوار است که به آن رکن اصلی گویند. اما بنا بر جواز

وزنی (اختیار شاعری) رکن «مفاعِلن» (مخبون)، رکن «مفتعلن» (مطوی) و حتی در موارد معدودی رکن «فعلتن» (مخبول)، می‌تواند جایگزین «مستفعلن» شود، بدون آن که شعر از وزن خود خارج شود یا وزن جدیدی پدید آید. به عبارت دیگر، در بحر رجز رکن‌های مستفعلن، مفاعِلن، مفتعلن، و فعلتن بدیل یکدیگر هستند، هرچند خلیل بن احمد مستفعلن را رکن اصلی به‌شمار آورده و رکن‌های دیگر را رکن‌های جایگزین (مزاخف) دانسته است. شاعر در شعر خود بدون هیچ محدودیتی می‌تواند در رجز به جای مستفعلن، مفاعِلن و مفتعلن به کار برد بدون آن که وزن شعر دچار اختلال شود.

این در حالی است که در عروض فارسی رکن‌های مستفعلن، مفاعِلن و مفتعلن هرکدام مستقل از دیگری است و بر پایه هر یک از این رکن‌ها، خانواده وزنی مستقلی شکل می‌گیرد و حتی با تناوب دورکن مفاعِلن و مفتعلن، دو خانواده وزنی مستقل به وجود می‌آید: «مفتعلن مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن» و «مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن مفتعلن». عروض سنتی فارسی تمامی این خانواده‌های وزنی را که وزن‌های متعددی از آن‌ها استخراج می‌شود، در ضمن بحر رجز قرار داده است. در حالی که ماهیت این خانواده‌های وزنی متفاوت از رجز عربی است. حال بدون توجه به نام‌گذاری و با توجه به آرایش هجایی ناشی از واقعیت شعر عربی و فارسی، دشوار می‌توان به این سؤال پاسخ داد که کدامیک از این خانواده‌های وزنی را می‌توان معادل رجز عربی به‌شمار آورد؟ تا بر مبنای آن حکم کرد که نسبت استعمال وزن‌های رجز در عربی و فارسی چه میزان با هم مشابهت دارند.

نکته قابل توجه دیگر این که هیچ وزنی از اوزان رجز در عربی و نظیر آن در فارسی، در ضمن ۱۰ وزن پرکاربرد عربی و فارسی قرار نگرفته است.

۹-۲-۲ مقایسه اوزان بحر رمل عربی و نظایر فارسی آن‌ها

اکنون وزن‌های رمل در عربی و وزن‌های موسوم به رمل در عروض سنتی و میزان کاربرد آن‌ها را با هم مقایسه می‌کنیم:

رتبه	رکن‌بندی	نام وزن	تعداد بیت	درصد
.۱۶	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل محذوف العروض، محذوف الضرب	۲۳۲۹	۱/۵۴۰
.۱۹	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل تامّ العروض، محذوف الضرب	۱۳۶۷	۰/۹۰۴
.۲۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مجزوء العروض، مجزوء الضرب	۱۰۴۱	۰/۶۸۸
.۳۱	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل محذوف العروض، مقصور الضرب	۵۲۱	۰/۳۴۴

این هم وزن‌هایی که در عروض فارسی سنتی رمل نامیده شده است و جایگاه هر کدام از آن‌ها:

وزن	رتبه وزن				
	الولساتن	درصد	پرهیزی	درصد	وحیدیان
فاعلاتن ۱۵ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۳	۱۲/۲٪	۱	۱۵/۷۶٪	۲ ✓
فاعلاتن ۱۵ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۴	۹/۷٪	۴	۱۰/۵۸٪	۵ ✓
فاعلاتن ۱۱ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۹	۳/۲٪	۹	۳/۶۹٪	۱۰ ✓
فاعلاتن ۱۱ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۱۹	۱/۱٪	۱۸	۰/۹۵٪	۲۰ ✓
فاعلاتن ۱۶ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۳	۰/۶٪	۲۲	۰/۶٪	۲۳ ✓
فاعلاتن ۱۶ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۵	۰/۳٪	۲۵	۰/۲۴٪	۲۶ ✓
فاعلاتن ۱۶ هجایی فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	۲۶	۰/۲٪	۲۴	۰/۳۳۷٪	۲۵ ✓

هر چند وزن شانزدهم عربی یعنی رمل محذوف العروض و محذوف الضرب در شکل بدون اختیار شاعری آن، نظیری در فارسی دارد، ولی اگر بخواهیم با توجه به تقطیع، نظیر این وزن را در فارسی بیابیم،

به‌سهولت امکان‌پذیر نخواهد بود، زیرا در عروض عربی در تمامی ارکان به‌جای فاعلاتن، می‌تواند فعاتن بیاید و همچنین به‌جای فاعلن می‌تواند فعلن بیاید. درحالی‌که در عروض فارسی تکرار فاعلاتن، یک خانواده‌ی وزنی مستقل تشکیل می‌دهد و تکرار فعاتن خانواده‌ی مستقل دیگری را به‌وجود می‌آورد که از هرکدام وزن‌های متعددی استخراج می‌شود که از قضا از هرکدام چندین وزن در جداول حضور دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وزن فارسی «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» در جایگاه ۹ و وزن «فاعلاتن فعاتن فعلن» در جایگاه ۱۹ قرار دارد. این در حالی است که وزن رمل عربی، یعنی رمل محذوف العروض و محذوف الضرب (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) در جدول دوم قرار گرفته و با ۱/۵۴٪ جایگاه ۱۶ را به خود اختصاص داده است. اگر وزن رمل محذوف العروض و مقصور الضرب را که در جایگاه ۳۱ است، برخلاف عروض عربی مستقل ندانیم^۱ و آن را هم جزء وزن اول به‌شمار آوریم، تفاوت بارزی در نتیجه حاصل نخواهد شد: $۱/۵۴ + ۰/۳۴۴ = ۰/۸۸۴$ ٪.

همچنین رمل مجزوء (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن) در میان اوزان عربی، رتبه نسبتاً قابل‌اعتنایی دارد (رتبه ۲۱ با ۶۸۸/۰٪)، ولی براساس آمار پرهیزی، نه «فاعلاتن فاعلاتن» و نه «فاعلاتن فعاتن»، در میان ۱۲۷ وزن فارسی جایی ندارد، یعنی اینکه پرهیزی برای این وزن حتی یک قطعه شعر در میان اشعار ۵۸ شاعر نیافته است (پرهیزی، ۱۳۸۱: ۱۵۱-۱۴۷).

نکته جالب توجه دیگر این که وزن «فاعلاتن فاعلاتن فعاتن فاعلاتن» که با ۰/۶٪ جایگاه ۲۳ در آمار ال‌ول‌ساتن و ۲۲ در آمار پرهیزی قرار دارد، وزنی کاملاً فارسی است و همانند آن در عروض عربی وجود ندارد، اما عروض سنتی فارسی این وزن را در ضمن بحر رمل قرار داده و آن را «رمل مشکول» نامیده است.

۹-۳ مقایسه جدول ۳ (۱۵ وزن کم‌کاربرد عربی) با وزن‌های فارسی

همان‌طور که آورده شد، جدول ۳ وزن‌های کم‌کاربرد عربی (۳/۰٪ تا کمتر از ۱٪) را دربرمی‌گیرد و ۱۵ وزن را شامل می‌شود که مجموع آن‌ها ۰/۸٪ وزن شعر عربی را تشکیل می‌دهد.

۱. عروض عربی میان وزنی که ضرب آن به هجای کشیده ختم می‌شود با وزنی که ضرب آن به هجای بلند ختم می‌شود تمایز قابل‌اعتنایی است. لذا وزن رمل محذوف العروض و مقصور الضرب مستقل قلمداد شده است:

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن

۹-۳-۱ مقایسه بحر هزج عربی و نظایر فارسی آن

البته توقع نمی‌رود که برخی از بحرهای خاص عربی، مانند طویل و بسیط و وافر، در میان وزن‌های شعر فارسی محبوبیت و کاربردی داشته باشند و تنها شواهد بسیار معدودی دیده می‌شود که عروض دانان فارسی یا برخی شاعران پارسی‌گو برای تشبیه به شاعران عربی سرا، سروده‌اند. اما شاید توقع می‌توان داشت که وزنی مانند هزج، همانند نظیر فارسی خود، کاربرد قابل قبولی داشته باشد. با مراجعه به جدول ۳، ملاحظه می‌شود که هزج عربی «مفاعیلن مفاعیلن // ۲ بار» با ۵/۰٪ در رتبه ۲۷ قرار گرفته است و وزن چندان محبوبی در میان وزن‌های عربی به‌شمار نمی‌آید. درحالی‌که دو وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن» و «مفاعیلن مفاعیلن فعولن» در ضمن ۱۰ وزن پرکاربرد فارسی قرار گرفته است:

رتبه وزن					وزن
وحدیدیان	درصد	پرهیزی	درصد	الول ساتن	
۶	۸٫۴٪	۵	۶٪	۶	مفاعیلن ۱۶ هجایی مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن
۹	۴٫۲۹٪	۸	۴٫۶٪	۸	مفاعیلن ۱۱ هجایی مفاعیلن مفاعیلن مفاعی (= فعولن)

البته اگر بخواهیم وزن‌های دیگری را که عروض سنتی فارسی با زحافات متعدد به هزج منسوب کرده است بیاوریم، علاوه بر وزن رباعی، وزن‌های دیگری را هم باید به فهرست اضافه کنیم. مانند:

رتبه وزن					وزن
وحدیدیان	درصد	پرهیزی	درصد	الول ساتن	
۷	۵٫۹٪	۷	۵٫۷٪	۷	[هزج مثنی‌اخر مکفوف محذوف مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن] مستفعل مستفعل مستفعل فعولن
۱۱	۳٫۰۵٪	۱۰	۳٫۲٪	۱۰	[هزج مسدس‌اخر مقبوض محذوف مفعول مفاعیلن فعولن] مستفعل فاعلات فعولن

۱۵	۱/۵۳۴٪	۱۲	۱/۳٪	۱۴	[هزج مثنی‌اخر مفعول مفاعیلن // مفعول مفاعیلن] مستفعل مستفعل // مستفعل مستفعل
۲۴	۰/۴۹۴٪	۲۳	۰/۷٪	۲۱	[هزج مسدس اخر مفعول مفاعیلن مفاعیلن] مستفعل فاعلاتن مستفعل

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، وزن‌های فوق هیچ نسبت و شباهتی با هزج عربی ندارند نه در ساختار هجایی و نه در میزان کاربرد.

۹-۳-۲ مقایسه بحر مجتث و مضارع عربی و نظایر فارسی آن‌ها

نکته دیگر اینکه وزن مجتث عربی (مستفعل فاعلاتن / مستفعل فاعلاتن) با ۰/۳۶۶٪ در رتبه ۳۰ قرار گرفته است و از مضارع عربی هم هیچ خبری نیست، به طوری که در دیوان ۳۲ شاعر هیچ شعری بر این بحر یافت نشد. در حالی که آنچه در عروض سنتی فارسی، برخی از وزن‌هایی که به بحر مجتث و یا مضارع منتسب شده‌اند، در ضمن پرکاربردترین وزن‌های شعر فارسی هستند. البته با توجه به آرایش هجایی این وزن‌ها، معلوم می‌شود که هیچ تشابهی میان آن‌ها و مجتث و مضارع عربی وجود ندارد. اما برخی تنها به دلیل تشابه اسمی، بدون در نظر گرفتن آرایش هجایی و بدون در نظر گرفتن میان کاربرد آن‌ها، چنین حکم کرده‌اند که مجتث و مضارع از بحرهای مشترک میان عربی و فارسی است.

رتبه وزن		وزن	
وحدیان	درصد	پرهیزی	درصد
۴	۱۲/۶۸٪	۲	۱۵٪
[مجتث مثنی‌مخبون محذوف] مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن			
۳	۱۲/۵۲٪	۳	۱۳/۲٪
[مضارع مثنی‌اخر مکفوف محذوف] مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن] مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل			
۱۲	۲/۱۲۹٪	۱۱	۲٪
[مضارع مثنی‌اخر] مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن] مستفعلن مفاعل // مستفعلن مفاعل			

۲۲	۰٫۷٪	۲۱	۰٫۷٪	۲۲	[مجثث مثنیٰ مخبون] مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلاتن
-	۰٫۱۹٪	۲۶	۰٫۳٪	۲۴	[مضارع مثنیٰ اِخرب مکفوف مفعولُ فاعِلاتُ مفاعِلن] مستفعلن مفاعلُ مستفعلُ
	۲۸٫۲۲٪		۳۱٫۲٪		جمع

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ۵ وزن بالا که در عروض فارسی سنتی به مضارع یا مجثث منسوب شده‌اند، در آمار الولاتن بیش از ۳۰٪ و در آمار پرهیزی تقریباً با همان نسبت کاربرد دارند، این در حالی است که با توجه به تقطیع هجایی این وزن‌ها، معلوم می‌شود که هیچ شباهتی میان آرایش هجایی مضارع و مجثث عربی و آنچه در فارسی مضارع و مجثث نامیده شده وجود ندارد. از سوی دیگر، همان‌طور که عنوان شد، برای مضارع عربی در اشعار ۳۲ شاعر حتی یک قطعه شعر یافت نشد و مجثث عربی نیز با حدود نیم درصد، در مرتبه ۳۱ جای گرفته است.

در پایان، یادآوری می‌شود که در این نوشته تنها بخشی از کار تطبیق و مقایسه وزن‌های عربی و فارسی آورده شده است و میزان کاربرد وزن‌های به تفصیل در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است تا بر حسب نیاز خود از آن‌ها بهره‌گیرند.

۱۰ نتیجه‌گیری

براساس مطالب عنوان‌شده، می‌توان استنتاج کرد که:

- برای یافتن شباهت‌های میان نظام وزنی عربی و فارسی، به‌هیچ‌وجه نباید نام وزن‌ها ملاک قرار گیرد، بلکه واقعیت وزنی مبتنی بر آرایش هجایی ملاک قابل اعتمادتری است. بنابراین بسیاری از تشابهات عنوان‌شده در خصوص شباهت‌های اوزان عربی و فارسی از سوی برخی عروضیان، نادرست است. بهترین نمونه برای این تشابهات اسمی، وزن‌های منتسب به بحر مجثث و مضارع است.
- تنها وزنی که میان وزن‌های پرکاربرد عربی و فارسی قرار دارد، وزن متقارب محذوف الضرب در عربی با وزن فعولن ۱۱ هجایی در فارسی است. پس از وزن مذکور، متقارب سالم الضرب در عربی با وزن فعولن ۱۲ هجایی در فارسی است.
- فایده مهم آمارگیری وزن‌ها در عربی و فارسی، در حیطه آموزش عروض عربی و فارسی است. بهتر آن

است که در سطح مقدماتی و متوسط نهایتاً بر ۳۰ وزن اکتفا شود و از پرداختن به وزن‌های کم‌کاربرد اجتناب گردد.

- در پایان می‌توان گفت که هرچند اساس و پایه هر دو نظام وزنی عربی و فارسی کمیت هجاست، اما تفاوت‌های زبانی میان عربی و فارسی و همچنین تفاوت میان ذوق تازیان و پارسیان، باعث تفاوت‌های بسیاری در ماهیت وزن‌های دو نظام گشته است و در مواردی که ماهیت وزن‌ها شباهتی می‌یابد، میزان کاربرد این وزن‌های نسبتاً مشابه، بسیار متفاوت است و تنها استثنایی که بر نتیجه فوق می‌توان قائل شد، دو وزن متقارب عربی با دو وزن نظیر آن در فارسی است.

منابع

- ابوالحسن العروضي، أحمد (۱۹۹۶). *الجامع في العروض والقوافي، تحقيق زهير غازي زاهد وهلال ناجي*. ط ۱، بيروت: دارالجيل.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۶۰). از این اوستا. تهران: مروارید.
- أنیس، إبراهيم (۱۹۷۲). *موسیقی الشعر*. ط ۴، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصرية.
- پرهیزی، عبدالخالق (۱۳۸۱). *عروض نوین فارسی*. تهران: ققنوس.
- الخطيب التبريزي، أبو زكريا (لا تا). *الكافي في العروض والقوافي*. تحقيق الحسني حسن عبدالله، القاهرة: دار الكتاب العربي للطباعة والنشر.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۹۳). *معیار اشعار*. مقدمه تصحیح و تعلیقات علی اصغر قهرمانی مقبل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- السید، عبدالرحمن (لا تا). *العروض والقافية: دراسة وتقد*. ط ۱، القاهرة: مطبعة قاصد خير.
- شمس قیس، شمس الدین محمد قیس الرازی (۱۳۶۰). *المعجم في معايير اشعار العجم*. تصحیح محمد بن عبد الوهاب قزوینی و تصحیح مجدد مدرس رضوی، تهران: کتابفروشی زوار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۵). *فرهنگ عروضی*. تهران: انتشارات فردوس.
- فرزاد، مسعود (۱۳۴۹). «مجموعه اوزان شعری فارسی». *مجله خرد و کوشش*. ش ۲، دفتر چهارم، ش ۴، ۶۵۱-۵۸۴.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۷). «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزن‌ها». *مجله نامه فرهنگستان*. دوره ۱۷، ش ۶۵، ۳۴-۵.
- قندیل، إسعاد (۱۹۸۱). *فنون الشعر الفارسی*. ط ۲، بيروت: دار الاندلس.

- معروف، یحیی (۱۳۷۸ش). *العروض العربي البسيط*. ج ۱، تهران: سمت.
- الموسوعة الشعرية (۲۰۰۳). *إصدار ثالث*. أبوظبي: دائرة الثقافة والسياحة.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۲۷). تحقیق انتقادی در عروض فارسی و چگونگی تحول اوزان غزل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۹). «درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی: بحث روش». *مجله آشنایی با دانش* (دانشگاه آزاد ایران). ش ۷، ۶۲۵-۵۹۱.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴). *درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*. تهران: انتشارات نیلوفر.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۷۳). *بررسی منشأ وزن شعر فارسی*. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۹). *فرهنگ اوزان شعر فارسی*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

Elwell- Sutton, L. P. (1976). *The Persian Metres*. Cambridge: Cambridge University Press.

Thiesen, F. (1982). *A Manual of Classical Persian Prosody: with Chapters on Urdu, KaraKhanidic and Ottoman Prosody*. Wiesbaden: Harrassowitz.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی